



## انفجارهای مرگبار در تونل سالنگ:

### آمار تلفات انسانی تکان دهنده است



منابع آگاه از ادامه آتش سوزی در تونل سالنگ خبر می دهند و می گویند که تلاش ها برای مهار آن تا نیمه های شب ناکام بوده است. هرچند آمار دقیقی از دومین آتش سوزی در داخل تونل سالنگ هنوز همه گانی نشده است. اما منابع می گویند که دست کم ۶۳ جسد و بیش از ۵۰ زخمی تا شام روز گذشته از تونل سالنگ بیرون کشیده شده اند. گواهان رویداد با توجه به شدت آتش سوزی احتمال می دهند که بیش از ۱۰۰ تن در نتیجه آن جان باخته اند.

۵

## محرومیت نیازمندان از کمکها:

### طالبان در پنجشیر: نهادهای مدرسان زیر نظارت ما کار کنند

۴

## موسسه نی خواهان بررسی علت مرگ یک خبرنگار در قندهار شد



صبح ۸ کابل: نی، نهاد حامی رسانه های آزاد در افغانستان، خواستار بررسی مرگ نصیر میرزایی، خبرنگار محلی در ولایت قندهار شد. نی روز یکشنبه، ۲۷ قوس، در اعلامیه ای «خودکشی» این خبرنگار به «علت مشکلات خانواده گی» را رد کرده و خواستار بررسی رسمی این قضیه شده است.

این در حالی است که منابع محلی طالبان گفته بودند که این خبرنگار روز یکشنبه، ۲۷ قوس، در خانه اش، واقع در سرک ۲۵ شهرک عینومینه قندهار، به علت مشکلات خانوادگی خودکشی کرده است.

در اعلامیه نی آمده است: «برای روشن شدن علت مرگ آقای میرزایی ضرور است تا طب عدلی و نهادهای مرتبط نتیجه تحقیقات خویش را در پیوند به این مساله به گونه رسمی اعلان نمایند.»

گفتنی است که نصیر میرزایی پیش از این در رادیو ملی قندهار وظیفه داشت و اکنون در یک رادیوی محلی کار می کرد.

## جنرالان بازنشسته امریکایی خواستار حمایت از نظامیان پیشین افغان شدند



متحدان احتمالی آن چه را که اکنون برای متحدان افغان ما اتفاق می افتد به خاطر خواهند آورد.»

مدافعان این طرح می گویند که این قانون برای کاهش تنگناهایی طراحی شده است که قبلاً از سقوط کابل شروع شده بود و پس از آن شرایط بدتر شده است. همچنین افسران نظامی امریکا خواستار ساده سازی مدارک برای افغانهایی است که بدون حضور دائمی در امریکا به سر می برند و همچنان روند معافیت برای کسانی که حل و فصل پرونده شان ممکن است آسان

نباشد. این معیارها می تواند در مواردی که اسناد مورد نیاز، قبل از سقوط کابل یا در خلال آن از بین رفته باشد، کمک کند. بیش از ۲۰ افسر بازنشسته، از جمله ژنرال جوزف دانفور، رییس سابق ستاد مشترک، دریاسالار مایک مولن، ژنرال ریچارد مایرز و دریاسالار جیمز استاوریدیس، فرماندهان ارشد سابق ناتو و ژنرال اسکات میلر که تا هفته ها قبل از سقوط کابل فرماندهی نیروهای ایتراف را برعهده داشت، این درخواست را امضا کرده اند.

## دومین انفجار در تونل سالنگ؛ ۶۳ تن جان باخته و ۳۲ تن زخمی شدند



مسافری با سرنشینان آن سوخته اند. منابع تاکید می کنند که تا کنون گروه های نجات، ۶۳ کشته و ۳۲ زخمی را از این تونل

صبح ۸ پروان: منابع آگاه از دومین انفجار در تونل سالنگ خبر می دهند.

منابع معتبر روز یکشنبه، ۲۷ قوس، به نقل از گواهان رویداد به روزنامه ۸ صبح می گویند که پس از آتش گرفتن یک تانکر نفتکش، یک عراده موتر گاز نیز منفجر شده است.

به گفته منبع، در پی این انفجارها، یک بخش سقف تونل سالنگ فرو ریخته و دهها موتر

## از دام مرگ به برزخ؛

# مهاجران افغان در ایران و پاکستان از بازگشت به کشور می هراسند



بیشتر پناهجویان افغانستان در پاکستان و ایران به ویژه خبرنگاران، فعالان حقوق زن، مدافعان حقوق بشر، نظامیان پیشین و افرادی که در سال های گذشته به نحوی با نیروها و یا دفاتر خارجی کار کرده اند، نیز از مشکلات مشابه سخن می گویند. بیشتر آنان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجهند، اما به دلیل هراس از خطرانی که به دلیل تسلط طالبان بر کشور متوجه جان آنان است، حاضر نیستند به افغانستان برگردند.

۳

## بهای مواد سوخت در کندز دو برابر شده است



۵

## ویژه گی های محتوایی شعر معاصر فارسی



۶





## برای جام آزادی و رفاه برزمیم

دیشب آخرین بازی جام جهانی فوتبال بخش بزرگی از نفوس بشر را در سراسر جهان برای بیش از دو ساعت چنان درگیر کرد که شاید هیچ اتفاق فرهنگی، سیاسی و مذهبی دیگری به پایش نرسد. این وضعیت محصول جهانی شدن و رشد بی‌پیشینه رسانه‌ها است و حکایت از روزگار تازه‌ای دارد که در آن فرهنگ، اقتصاد و جغرافیا به سرعت دگرگون می‌شوند. از همین رو، در چنین روزی نوشتن از فوتبال ممکن نیست. جامعه افغانستان نیز علی‌رغم آن که استدیوم‌هایش دوباره محل دره‌زنی و اعدام گشته، ورزش و تفریح در آن از رونق افتاده و کشور گویی به گذشته‌های بسیار دور پرتاب شده است، بازهم درگیر فوتبال است و نمی‌تواند از اتفاقات پیرامونش فارغ شود و مهم‌تر از آن نمی‌تواند برای مدت طولانی در گذشته بماند و دور میخ طالبان بچرخد.

بازی دیشب دو برنده داشت: یکی تیم آرژانتین و دیگری لیونل مسی. در واقع، در یک میدان دو بازی جریان داشت. در یکی تیم‌های فرانسه و آرژانتین می‌رزمیدند و در دیگری لیونل مسی با کیلیان امباپه. هر دو تیم صاحب سنت پر بار و سابقه طولانی در فوتبال اند و هردو ستاره عرق بسیار ریخته و پیش از این بازی قله‌های زیادی را پیموده‌اند. پیروزی را نمی‌توان به تصادف، دعا و شانس واگذار کرد. باید برای آن سال‌ها کوشید، بارها شکست خورد و تا آخرین لحظات امید را از دست نداد. میان دو تیم فرانسه و آرژانتین تفاوت چندانی نیست و درخشش امباپه جوان و مستعد نیز چنان چشم‌گیر است که به آسانی نمی‌توان گفت که او در برابر مسی، تک‌ستاره اسطوره‌ای فوتبال که در آخرین سال‌های بازی‌اش می‌درخشد، کم خواهد آورد. پیروزی مسی و تیمش بر رقیبان را نیز نباید تصادف خواند. آنان انگیزه بیشتر برای بردن داشتند. چرا که در گذشته از رقیب فرانسوی خود شکست خورده بودند و ستاره بی‌نظیرشان در کارنامه‌اش یک جام مهم طلایی کم داشت. در واقع، آنان فتح این جام را مأموریتی می‌دانستند که باید در همان میدان و دیشب پوره می‌شد. مسی اگر این‌جا پیروز نمی‌شد، تا چهار سال دیگر فرصت نداشت. حتماً مسی امسال و در ماه‌های نزدیک جام بسیار به دیشب فکر کرده است و در جریان بازی‌های جام امسال نیز بیش از هر کسی ذهن و تنش را جمع کرده و به هدفی که پیش روی داشته، اندیشیده و برای آن تدابیر سنجیده است. او در تیمش چون رهبر پخته، صاحب مأموریت و دارای کاریزمای بی‌نظیر عمل کرد. نقش رهبری در پیروزی بسیار مهم است. کارشناسان فوتبال می‌گویند که سن امباپه و این که در جمع هم‌تیمی‌هایش از جایگاهی چون مسی برخوردار نیست، نقطه ضعف فرانسه بود.

در افغانستان جام داغی جریان دارد و ملتی در خانه‌اش به شکل دردناک به چالش کشیده شده است. خیلی‌ها پیروزی یک‌باره، فوری و تصادفی را می‌خواهند. چشم‌های بسیاری به آسمان، امریکا و یا حوادث احتمالی دوخته شده‌اند. کسانی حتل به تغییر یا ترحم طالبان امید بسته‌اند. پیروزی اما، هر جا و در هر میدان بزرگی که باشد از آسمان و امریکا یا با احتمالات و ترحم مخالفان به دست نمی‌آید، بلکه با کار دوام‌دار، آماده‌گی، تدبیر، همکاری و رهبری به دست می‌آید. برای ساختن وطنی صاحب صلح، دموکراسی و رفاه باید به سنت‌های مبارزاتی گذشته‌گان خود تکیه کنیم، میدان را رها نکنیم، از شکست‌ها بیاموزیم، کار جمعی انجام دهیم، مأموریت و انگیزه داشته باشیم، تدبیر بسنجیم و تا آخرین لحظات خوش پیروزی دست از امید برنداریم. در این راه تیم خلق خواهد شد، رهبرانی بر خواهند خاست و ستاره‌های خواهند درخشید. ما باید در جام آزادی و رفاه پیروز شویم.

## فساد در ریاست عمومی ترافیک طالبان؛ از استخدام افراد خودی تا حیف و میل میلیون‌ها افغانی در روز



**۸صبح، کابل:** روزنامه اطلاعات روز در یک پژوهش از موجودیت فساد گسترده در ریاست عمومی ترافیک طالبان پرده برداشته است. بر بنیاد یافته‌های اطلاعات روز که روز شنبه، ۲۶ قوس، نشر شده است، حسیب‌الله مختار، رییس عمومی ترافیک طالبان که به شبکه حقانی نزدیک است، دست به استخدام‌های فراقانونی و حیف‌ومیل درآمدهای این ریاست زده است. یافته‌های این روزنامه نشان می‌دهد که حسیب‌الله مختار پس از تسلط طالبان کارمندان ریاست ترافیک را برکنار و به‌جای آنان ۶۱ تن از نزدیکانش را استخدام کرده که همه از باشندگان ولسوالی سیدآباد ولایت میدان‌وردک هستند. رییس عمومی ترافیک طالبان همچنان به پنج تن از زنانی که ظاهراً در داخل افغانستان نیستند،

**۸صبح، کابل:** روزنامه اطلاعات روز در یک پژوهش از موجودیت فساد گسترده در ریاست عمومی ترافیک طالبان پرده برداشته است. بر بنیاد یافته‌های اطلاعات روز که روز شنبه، ۲۶ قوس، نشر شده است، حسیب‌الله مختار، رییس عمومی ترافیک طالبان که به شبکه حقانی نزدیک است، دست به استخدام‌های فراقانونی و حیف‌ومیل درآمدهای این ریاست زده است. یافته‌های این روزنامه نشان می‌دهد که حسیب‌الله مختار پس از تسلط طالبان کارمندان ریاست ترافیک را برکنار و به‌جای آنان ۶۱ تن از نزدیکانش را استخدام کرده که همه از باشندگان ولسوالی سیدآباد ولایت میدان‌وردک هستند. رییس عمومی ترافیک طالبان همچنان به پنج تن از زنانی که ظاهراً در داخل افغانستان نیستند،

## پاکستان در استراتژی خود نسبت به طالبان تجدید نظر می‌کند

طریق تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) را تحمل نخواهد کرد.»  
بلاول بوتو از این که طالبان افغانستان نتوانسته‌اند از حملات تروریستی برون مرزی تی‌تی‌پی به پاکستان جلوگیری کنند، ابراز ناامیدی کرده است. وزیر امور خارجه پاکستان گفته است که طالبان افغانستان در دوحه تعهد کرده بودند که به تی‌تی‌پی پناهگاه فراهم نخواهند کرد. به گفته بلاول بوتو، پاکستان پرونده جامعی را با دبیرکل و شورای امنیت سازمان ملل متحد در میان گذاشته است که دارای شواهد ملموسی مبنی بر حمایت خارجی از تحریک طالبان پاکستان و سایر گروه‌های تروریستی فعال علیه پاکستان است. اظهارات وزیر امور خارجه پاکستان در حالی بیان می‌شود که تنش‌ها میان اسلام‌آباد و مقام‌های طالبان افغانستان بر سر رویدادهای اخیر گلوله‌باری در مناطق مرزی اوج گرفته است.



بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، گفته است که پاکستان می‌تواند در استراتژی‌اش نسبت به طالبان افغانستان تجدید نظر کند. وزیر امور خارجه پاکستان روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، در یک نشست سازمان ملل در نیویورک گفته است: «پاکستان مداخله تروریسم فرامرزی از

## موتور حامل رییس امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان سه تن را زیر گرفت



**۸صبح، بامیان:** منابع معتبر محلی می‌گویند که مولوی مقبول احمد وقاص، رییس امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان سه تن را با موتورش زیر گرفته و راهی شفاخانه کرده است.

به گفته منابع، این رویداد حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پیش از چاشت روز شنبه، ۲۶ قوس، در نزدیکی ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان واقع در شهر نو بامیان رخ داده است.

یک منبع که نخواست نامش فاش شود می‌گوید، این رویداد زمانی رخ داد که مولوی مقبول احمد وقاص با سرعت غیرمجاز در حال رانندگی بود. منبع می‌گوید: «یکی از زخمی‌ها پاهایش از سه ناحیه شکسته و وضعیت صحتی دو تن دیگر نیز وخیم است.»

با این حال، اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان گفته است: «ما زیر نگرفتیم، یک موتورسایکل با سه نفر سواری با موتور ما برخورد کرد.»

یک منبع از شفاخانه ولایتی بامیان نیز می‌گوید که روز گذشته سه زخمی از یک رویداد ترافیکی به این شفاخانه منتقل شدند. به گفته او، یکی از زخمی‌ها پاهایش از سه ناحیه شکسته بود که برای درمان به یکی از شفاخانه‌های کابل منتقل شد و دو تن دیگر در شفاخانه ولایتی بامیان زیر درمان قرار دارد.

خواستیم در این باره دیدگاه مولوی مقبول احمد وقاص، رییس امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان را داشته باشیم؛ اما با تلاش‌های پی‌هم موفق نشدیم. گفتنی است که پیش از این در رویداد مشابه مولوی اسلام‌الدین عثمانی، رییس پیشین معارف طالبان در بامیان نیز با سرعت غیرمجاز موتورش جان یک پسر بچه دانش‌آموز را گرفت.

## طالبان ۲۲ تن را در جوزجان و ۶ تن را در کاپیسا شلاق زدند



**۸صبح، جوزجان:** منابع در ولایت‌های جوزجان و کاپیسا می‌گویند که طالبان ۲۸ تن به شمول پنج زن را در این دو ولایت شلاق زده‌اند.

طالبان ۲۲ تن به شمول سه زن را روز یکشنبه، ۲۷ قوس، در ورزشگاه مارشال دوستم در شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، شلاق زده‌اند. در همین حال، به گفته منابع محلی، طالبان ۶ تن دیگر به شمول دو زن را در بازار شیروانی ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا محاکمه صحرایی کرده‌اند.

طالبان هر یک از این افراد را به اتهام‌های دزدی، فرار از منزل، رابطه خارج از ازدواج و فروش مواد مخدر از ۳۰ تا ۵۰ ضرب شلاق زده‌اند.

طالبان تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند.

محاکمه‌های صحرایی به دستور رهبر طالبان با وجود واکنش‌های جهانی ادامه دارد. این گروه تا کنون ده‌ها تن را در ولایت‌های مختلف در محضر عام شلاق زده است.

## جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان: تغییرات وضع شده در نصاب آموزشی قابل قبول نیست



**۸صبح، کابل:** جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان با نشر اعلامیه‌ای نسبت به یافته‌های روزنامه ۸صبح در مورد نصاب آموزشی طالبان، واکنش نشان داده است. بر بنیاد معلومات این اعلامیه که روز یکشنبه، ۲۷ قوس نشر شده، نظام آموزشی دوره جمهوری در کشور، عاری از هرگونه موضوعی در تضاد با ارشادات دین اسلام دانسته شده است. جنبش خودجوش زنان معترض تغییرات اعمال شده از سوی طالبان در نظام آموزشی کشور را غیر قابل

قبول بیان کرده‌اند. این جنبش گفته که افغانستان تنها به ملا و مولوی نه، بلکه به متخصصان در دیگر بخش‌ها نیز نیاز دارد. در اعلامیه جنبش خودجوش زنان افغانستان گفته شده که تغییرات اعمال شده، در واقع بیانگر نظریات عقب‌گرایانه و افراطی گروه طالبان است. گفتنی است که روزنامه ۸صبح به نسخه‌ای از نصاب آموزشی طالبان دست یافته که در جریان دو سال اخیر تهیه شده و سه مضمون آموزشی را از نصاب حذف کرده‌اند.



# مهاجران افغان در ایران و پاکستان از بازگشت به کشور می هراسند



فهم امین

از سوی دیگر، کمیته بین المللی نجات (IRC) در گزارش تازه خود افغانستان را سومین کشور در معرض فقر تشخیص داده است. این کمیته که فهرست نظارتی سالانه اضطراری خود را منتشر کرده، گفته است، از ۲۰ کشور که در معرض فاجعه انسانی قرار دارند، افغانستان پس از سومالی و اتیوپی، سومین کشور است.

**هشدار عفو بین الملل**  
از سوی دیگر، سازمان عفو بین الملل بازگشت پناهجویان افغانستان از پاکستان به کشور جهت تمدید ویزا را خطرناک توصیف کرده است. آگنس کالامار، دبیرکل سازمان عفو بین الملل، با ارسال نامه‌ای به شه‌باز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، از وضعیت زنده‌گی و امنیت پناهجویان افغانستان در آن کشور ابراز نگرانی کرده است. او ضمن قدردانی از دولت پاکستان برای میزبانی درازمدت از مهاجران افغان، گفته است که او نگران جان و امنیت پناهجویان افغانستانی است که از زمان بازگشت دوباره طالبان به قدرت، به این کشور رفته‌اند. به گفته آگنس کالامار، سازمان عفو بین الملل متوجه شده است آن عده از شه‌روندان افغانستان که با ویزا یا بدون ویزا به پاکستان رفته‌اند، به دلیل فقدان روند قانونی اقامت، تبعیض و محدودیت با چالش‌های جدی مواجه‌اند.

دبیر کل سازمان عفو بین الملل از عدم اطمینان حقوقی طولانی‌مدت پناهجویان افغانستان در پاکستان ابراز نگرانی کرده و خاطرنشان ساخته است که پاکستان فاقد قوانین حمایت از پناهنده‌گان و پناهجویان است. این کشور همچنین هیچ رویه مشخصی برای تعیین وضعیت پناهنده‌گی ندارد. آگنس کالامار توضیح داده است که شه‌روندان افغانستان مقیم در پاکستان عمدتاً نمی‌توانند به مسکن دسترسی داشته باشند، زیرا نمی‌توانند صاحب‌خانه‌ها را متقاعد کنند که به آنان خانه اجاره دهند.

او در این نامه تذکر داده که شه‌روندان افغانستان که با ویزا وارد خاک پاکستان شده‌اند، باید مرتب ویزای خود را تمدید کنند و برای انجام این کار، مجبورند وارد خاک افغانستان شوند. این کار از دید آگنس کالامار پرخطر است و دولت پاکستان باید راهکار دیگری برای آن مشخص کند. به گفته دبیرکل عفو بین الملل، بازگشت پناهجویان به افغانستان، پرهزینه و خطرناک است. او گفته است که بسیاری از شه‌روندان افغانستان که با ویزا وارد پاکستان شده‌اند، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران یا مقام‌های دولتی شناخته‌شده هستند و در معرض خطر آزاروآذیت طالبان قرار دارند. سازمان عفو بین الملل در حالی از وارد شدن پناهجویان افغانستان برای تمدید ویزا به خاک افغانستان زیر حاکمیت طالبان هشدار می‌دهد که گزارش‌های زیادی از بازداشت، حبس و شکنجه شه‌روندان به‌ویژه قشر سیاسی، نظامی، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زن و کارمندان پیشین نهادهای خارجی از سوی طالبان پس از بازگشت به افغانستان، منتشر شده است.

در کنار این، نبود امکانات لازم برای پیش‌برد زنده‌گی، از علت‌های دیگری است که پناهجویان افغان را از برگشت به کشور باز می‌دارد. نبود کار و آزادی‌های فردی و جمعی، ممانعت زنان از گشت‌وگذار آزاد و ممانعت دختران بالاتر از صنف ششم از رفتن به مکتب از چالش‌های دیگری است که هزاران شه‌روند را از برگشت به کشور باز می‌دارد.

از این پیش سازمان بین‌المللی کار هشدار داده است که در ماه‌های نخست روی کار آمدن طالبان در افغانستان، اقتصاد کشور فلج شده و تعداد زیادی از مشاغل از بین رفته است. این گزارش در اوایل سال روان میلادی نشر شده و طبق آن پیش‌بینی شده بود که تا اواسط سال جاری میلادی حدود ۷۰۰ هزار شغل در افغانستان از بین برود. این رقم در بدترین پیش‌بینی‌ها ۹۰۰ هزار شغل اعلام شده است که دلیل اصلی آن را می‌توان بحران اقتصادی در افغانستان و محدودیت حضور زنان در بازار کار دانست.

از سوی دیگر، کمیته بین‌المللی نجات (IRC) در گزارش تازه خود افغانستان را سومین کشور در معرض فقر تشخیص داده است. این کمیته که فهرست نظارتی سالانه اضطراری خود را منتشر کرده، گفته است، از ۲۰ کشور که در معرض فاجعه انسانی قرار دارند، افغانستان پس از سومالی و اتیوپی، سومین کشور است. با این حال، آمارهای موجود نزد وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان زیر اداره طالبان نشان می‌دهد که در حال حاضر حدود هفت میلیون شه‌روند افغانستان در کشورهای همسایه و جهان زنده‌گی می‌کنند. حنا ربانی کهر، معاون وزیر خارجه پاکستان، چندی پیش از حضور بیش از سه میلیون پناهجوی افغان در کشورش خبر داد. همچنان مقام‌های دولت ایران گفته‌اند که آنان میزبان نزدیک به پنج میلیون مهاجر افغان هستند. افزون بر این، صدها هزار شه‌روند دیگر افغانستان در سایر کشورهای جهان به سر می‌برند.

بازداشت و ردمرز خواهند شد. همچنان دولت پاکستان به پناهجویانی که فاقد اسناد قانونی‌اند، تا پایان سال روان میلادی ضرب‌الاجل تعیین کرده است. براساس بیانیه وزارت داخله این کشور، در صورتی که اتباع خارجی پس از این مهلت بدون داشتن ویزا در خاک پاکستان بازداشت شوند، احتمال دارد تا سه سال زندانی، جریمه نقدی و سپس به افغانستان فرستاده شوند.

## فراخوان طالبان

این‌همه در حالی است که مقام‌های ارشد طالبان از شه‌روندان افغانستان مقیم در بیرون از کشور خواسته‌اند تا کشور برگردند. محمدحسن آخوندزاده، رییس‌الوزرای طالبان، در آغاز هفته روان (شنبه، ۲۶ قوس) گفته است: «سال آینده، تمام مهاجران افغان را برای بازگشت به خانه فرا می‌خوانیم. دیگر در افغانستان آرامش برقرار شده است. همه می‌توانند از عفو عمومی برخوردار شوند و به کشور بازگردند.» همچنان عباس ستانکزی، معاون سرپرست وزیر خارجه طالبان، گفته است: «ما دو نوع مهاجر داریم که به دلایل سیاسی و اقتصادی مهاجرت می‌کنند. به هر دو جناح فراخوان بازگشت به خانه می‌دهیم.»



از سوی دیگر، ارسلاخان خروتی، معاون وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان طالبان، طرح بازگشت مهاجران افغان به کشور را بیشتر توضیح داده و گفته است: «با فرارسیدن فصل بهار، منتظر بازگشت میلیون‌ها مهاجر افغان هستیم. دولت طالبان در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد یک مرکز پردازش اطلاعات است که در آن سیستم بیومتریک برای مهاجران افغان در داخل و خارج از کشور استفاده خواهد شد.»

شده‌ام از طریق بازار سیاه برای ویزه هر عضو خانواده‌ام بین شش تا هفت میلیون تومان پردازم.» این خبرنگار خاطرنشان می‌سازد که براساس مقررات دولت ایران، ویزای پناهجویان افغان پس از ورود به خاک این کشور تنها یک بار برای یک‌وونیم و یا سه ماه تمدید می‌شود. هزینه قانونی تمدید هر ویزا بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان ایرانی است، اما پناهجویان افغان مجبور می‌شوند با پرداخت هزینه هنگفت از طریق بازار سیاه ویزا دریافت کنند.

بیشتر پناهجویان افغانستان در پاکستان و ایران به‌ویژه خبرنگاران، فعالان حقوق زن، مدافعان حقوق بشر، نظامیان پیشین و افرادی که در سال‌های گذشته به‌نحوه با نیروها و یا دفاتر خارجی کار کرده‌اند، نیز از مشکلات مشابه سخن می‌گویند. بیشتر آنان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند، اما به دلیل هراس از خطرانی که به دلیل تسلط طالبان بر کشور متوجه جان آنان است، حاضر نیستند به افغانستان برگردند.

محمدصادق (نام مستعار) یکی از نظامیان پیشین افغانستان است. او تا پیش از سقوط دولت به دست طالبان، در مدیریت فرامرزی ریاست جرایم جنایی وزارت امور داخله وظیفه اجرا می‌کرد. با سقوط دولت پیشین، به پاکستان رفته است و با مشکلات زیادی روز و شب خود را در آن کشور سپری می‌کند. محمدصادق می‌گوید: «در افغانستان بی‌اندازه مشکلات زیاد است. این طرف [پاکستان] هزار مشکل و ناداری سر ما تیر می‌شود و تیر می‌کنیم. اما در آن‌جا نبود امکانات آموزشی برای فرزندانم، نبود کار برای خودم و نبود امنیت جانی از دلایلی است که حاضر نیستم به افغانستان برگردم.» به گفته او، طالبان ممکن پس از برگشت به کشور او را بازداشت و شکنجه کنند؛ زیرا او در جریان انجام وظیفه خلاف مقاصد طالبان فعالیت داشته است و اکنون زیر حاکمیت این گروه احساس امنیت نمی‌کند.

به همین شکل، هزاران شه‌روند دیگر به دلیل هراس از طالبان بدون داشتن پاسپورت و ویزا کشور را ترک کرده و برای نجات جان خود به ایران و پاکستان پناه برده‌اند. آنان مشکلات مهاجرت از جمله توهین و تحقیر، کارهای شاقه و طاقت‌فرسا، نابلدی با فرهنگ و زبان، ترس روزمره از پولیس و صدها مشکل دیگر را به جان می‌خرند، اما حاضر نیستند به رضایت خود و یا به‌گونه جبری به افغانستان برگشت داده شوند. آنان از دولت‌های ایران و پاکستان می‌خواهند تا زمینه اقامت درازمدت آنان را در این کشورها فراهم کنند و تا زمانی که طالبان بر افغانستان حاکمیت دارند، اخراج اجباری آنان متوقف شود.

دولت‌های ایران و پاکستان اما روی دلایل مشخصی حاضر نیستند پناهجویان افغانستان را در نبود ویزای قانونی در خاک خود اجازه اقامت بدهند. ایران در آغاز سال روان خورشیدی فراخوان ثبت پناهجویان افغانستان را صادر کرد. طبق این فراخوان، افرادی که پس از ماه جوزا بدون ثبت در ایران اقامت داشته باشند و در نبود ویزای قانونی وارد این کشور شوند،

هرچند مقام‌های بلندپایه طالبان بر رعایت عفو عمومی تأکید دارند و از شه‌روندانی که به کشورهای دیگر جهان به‌ویژه ایران و پاکستان پناه جسته‌اند می‌خواهند به وطن برگردند، اما این پناهجویان هنوز هم نگران برگشت به کشورند. شماری از پناهجویان ادامه زنده‌گی رقت‌بار در دیار غربت را به «عالم برزخ» تشبیه می‌کنند و برگشت به کشور زیر اداره طالبان را «استقبال از مرگ» می‌خوانند. آنان از دولت‌های ایران و پاکستان می‌خواهند تا زمینه اقامت درازمدت برای آنان فراهم شود و از برگشت اجباری آنان به افغانستان جلوگیری صورت بگیرد. دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل نیز برگشت

منصور (نام مستعار) یکی از خبرنگاران افغانستان است که به دلیل مشکلات امنیتی به ایران پناه برده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید تا زمانی که اداره امور کشور به دست طالبان باشد، به هیچ قیمتی حاضر نیست برگردد. منصور می‌افزاید: «من خوش نیستم در این کشور باشم، اما بنا بر مشکلات امنیتی این‌جا هستیم. طالبان به عفو عمومی پای‌بند نیستند. در ۱۶ ماه گذشته داد از عفو عمومی زدند، اما مردم را بازداشت کردند، شکنجه کردند و حتا به قتل رساندند. هیچ وقتی به وعده عفو عمومی طالبان باورمند نیستیم.»

حدود هفت ماه از آمدن منصور به ایران می‌گذرد. این خبرنگار خاطرنشان می‌سازد که در جریان کمتر از یک سالی که زیر حاکمیت طالبان در افغانستان حضور داشته، همواره زیر تیررس افراد این گروه قرار داشته و به‌طور پنهانی به کارهای رسانه‌ای خود ادامه می‌دهد است. منصور از مشکلات زنده‌گی در ایران سخن می‌گوید و می‌افزاید: «زمان ویزای ما تمام شده و دولت ایران حاضر نیست ویزا را تمدید کند. کمیشن کاران برای تمدید ویزا پول گزاف می‌طلبند. من به دلیل مشکلات امنیتی نمی‌توانم به کشور برگردم، حاضر



**بیشتر پناهجویان افغانستان در پاکستان و ایران به‌ویژه خبرنگاران، فعالان حقوق زن، مدافعان حقوق بشر، نظامیان پیشین و افرادی که در سال‌های گذشته به‌نحوه با نیروها و یا دفاتر خارجی کار کرده‌اند، نیز از مشکلات مشابه سخن می‌گویند. بیشتر آنان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند، اما به دلیل هراس از خطرانی که به دلیل تسلط طالبان بر کشور متوجه جان آنان است، حاضر نیستند به افغانستان برگردند.**



# کلاف سردرگم سیاست و غیبت گفت‌وگو در مسایل افغانستان

افغانستان کنونی در یک کلاف سردرگم سیاسی گیر مانده است. گشودن این کلاف سردرگم سیاسی، به عقلانیت سیاسی، واقعیت‌نگری، درک درست و شناخت عمیق از معضل قدرت و فهم عقلانی از عمل‌گرایی سیاسی نهفته است. این مولفه‌ها زمانی در کنار هم قرار می‌گیرند که به امر سیاسی به عنوان مسأله بنیادی پرداخته شود و صاحبان دغدغه قدرت باهم گفت‌وگو کنند، مصادهای هم‌دیگر را بشنوند، مطالبات طرف‌ها را به رسمیت بشناسند، از فضای مونولوگ به دیالوگ کوچ کنند و بپذیرند که بدون گفت‌وگو، مسأله‌ها و معضل‌ها هیچ‌گامی به سوی راه‌حل‌ها و راهکارها راه نخواهد گشود.



عقلانیت سیاسی، واقعیت‌نگری، درک درست و شناخت عمیق از معضل قدرت و فهم عقلانی از عمل‌گرایی سیاسی نهفته است. این مولفه‌ها زمانی در کنار هم قرار می‌گیرند که به امر سیاسی به عنوان مسأله بنیادی پرداخته شود و صاحبان دغدغه قدرت باهم گفت‌وگو کنند، صداهای هم‌دیگر را بشنوند، مطالبات طرف‌ها را به رسمیت بشناسند، از فضای مونولوگ به دیالوگ کوچ کنند و بپذیرند که بدون گفت‌وگو، مسأله‌ها و معضل‌ها هیچ‌گامی به سوی راه‌حل‌ها و راهکارها راه نخواهد گشود. در بسط و گسترش قدرت در دو دهه گذشته هرچه از جنس گفت‌وگوی سیاسی انجام شده، در واقعیت امر، گفت‌وگو هراسی و گریز از مواجه شدن با واقعیت‌های عینی جامعه سیاسی و فرهنگ سیاسی بوده است. در هیچ دوره، هیچ زمام‌دار و جریان سیاسی‌ای که از خوان قدرت تغذیه کرده است، حاضر به گفت‌وگوی معنادار سیاسی نشده و حتا از مواجه شدن با این امر سیاسی پرهیز کرده است. گفت‌وگو در واقع گمشده‌ای دیروز و امروز فرهنگ سیاسی و مسأله اساسی همه دوره‌ها بوده است که باید جدی گرفته شود؛ زیرا در پرتو گفت‌وگو است که همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام شکل می‌گیرد، حجاب‌ها از چهره‌ها برچیده می‌شود، مطلق‌نگری‌ها و قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک جای خود را به فرهنگ سیاسی استوار بر ارزش‌های دموکراتیک می‌دهد و عقلانیت سیاسی نهادینه می‌شود.

چندی قبل در فیسبوک، از دوستان پرسیده بودم که از نظر شما مسأله افغانستان چیست؟ در آن‌جا پاسخ‌های مشابهی داده شده بود. پاسخ‌دهنده‌گان اکثر دانش‌آموخته‌های رشته‌های علوم اجتماعی بودند و تقریباً به اتفاق نظر، مسأله کشور را قومی و زبانی دانسته بودند. از نظر آن‌ها و برداشتی که از تجربه تاریخی داشتند، گفته بودند تا زمانی که این مسأله حل نشود، هر ابزاری دیگر به شمول دین می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. دسته دوم مسأله افغانستان را اسلام سیاسی و بنیادگرایی دینی دانسته بودند. با تفسیر

ساخته و چنان زخمی بر جان این بیمار زده‌اند که دوی درد آن در دکان هیچ عطاری با رویکردهای شوونیستی قومی و پوپولستی مذهبی یافت نمی‌شود؛ زیرا این دو هر کدام به فکر برتری خود بر دیگری‌اند و چنین امری در جامعه متکثر و متنوع افغانستان پذیرفتنی نیست. این مسأله مجال را برای بنیادگرایان از هر طیف آن فراهم می‌کند تا بساط عقلانیت مدرن، دانش نوین و راهکارهای مبتنی بر توسعه و جامعه‌شناسی سیاسی را ببندند، جنون مذهبی و عطش خون‌خواهی قومی را میدان دهند و با قطب بندی، سیاه و سفید نگری، همه فرصت‌هایی را که برای تعامل و گفت‌وگو نیاز است، بگیرند. تشنه‌گان قدرت جهل و جنون، خودبرتربینی، فرافکنی و دروغ‌گویی را بر واقعیت‌های ملموس و تجربه‌های واقعی، چیره ساخته‌اند تا بتوانند فرصت را برای حیات سیاسی و فزون‌طلبی خویش با ایجاد شکاف بین وضعیت فعلی و وضعیت مطالبه‌شده را مساعد سازند.

افغانستان کنونی در یک کلاف سردرگم سیاسی گیر مانده است. گشودن این کلاف سردرگم سیاسی، به

افغانستان معاصر کم‌تر دوره‌ای را بدون خون‌ریزی، جنگ و ویرانی پشت سر گذرانده است. حکومت‌های مختلف با نگرش‌های متفاوت از راست تا چپ همه تجربه شده، اما هیچ



امین کاوه

یکی از جریان‌های سیاسی و حاکمان کشور به معضل بنیادی و اساسی افغانستان نپرداخته‌اند. هر رژیمی که بر سر اقتدار آمده، راه خویش را رفته و مجال گفت‌وگو و شنیدن حرف مخالف را به کسی نداده است. توزیع عادلانه قدرت و پذیرش کثرت‌گرایی که به عنوان مهم‌ترین و داغ‌ترین میحث در کانون‌های تصمیم‌گیری سیاست‌مداران و روشنفکران سیاسی مطرح بوده، هیچگاهی جدی گرفته نشده است. بدبختانه، راست‌گرایان و چپ‌گرایان و محافظه‌کاران همه پس‌فردای پیروزی به‌جای گشودن گره کور قدرت و سیاست، به ادبیات استعاری و تسلیمی دیگران به خود پرداخته‌اند. سخن راست نشنیده‌اند و با تمسک به قوم، زبان و مذهب، معضل کشور را پیچیده‌تر و عمیق‌تر

## محرومیت نیازمندان از کمک‌ها؛

# طالبان در پنجشیر: نهادهای مدرسان زیر نظارت ما کار کنند

۸ صبح، پنجشیر



کنونی خلاف ارزش‌های بشری است که قابل توجیه نمی‌باشد.

آرش شهیرپور، آگاه مسایل حقوقی، به روزنامه ۸ صبح گفت که محروم کردن افراد از حقوق عمومی به‌ویژه مواد غذایی مصداق جنایت علیه بشریت است. او می‌افزاید: «گزارش‌هایی از برخورد خشن و محروم کردن مردم از گوشی هوشمند در گذشته و حالا هم محروم کردن مردم نیازمند از کمک‌های بشردوستانه کشورهای جهان، نشانه‌ای از انتقام‌گیری است، ورنه هیچ قابل توجیه نیست. این برخورد اول نقض‌کننده حرف‌ها و شعارهای طالبان است که می‌گویند مقاومتی در هیچ جای کشور نیست و دوم رنگ و بوی دادن بیشتر به جنگ‌های مسلحانه و برخورد قومی طالبان است.»

پیش از این نیز گزارش‌هایی از توزیع نامتوازن کمک‌های نهادهای مدرسان به دلیل مداخله طالبان در بخش‌های مختلف کشور به‌ویژه ولایت‌های شمال کابل وجود داشته است. گفتنی است که با تسلط طالبان بر کشور در ماه اسد سال گذشته خورشیدی، کمک‌های زیادی صورت گرفته است. این کمک‌ها از سوی جامعه جهانی برای افراد نیازمند در قالب پول نقد و مواد غذایی توزیع می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به دلیل نداشتن اعتماد به طالبان، به‌گونه مستقیم دست به توزیع این کمک‌ها می‌زنند. طالبان اما تلاش دارند به‌نحوی این کمک‌ها را زیر نظارت خود داشته باشند و کمک‌ها از طریق آنان به افراد مورد نظر این گروه توزیع شود.

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) را رها کردند، اما به آنان اجازه نداده‌اند تا منطقه را سروی کنند. منبع در یکی از نهادهای مدرسان نیز تأیید می‌کند که طالبان مانع کمک‌رسانی آنان به نقاط دوردست پنجشیر شده‌اند. به گفته او، طالبان در هر روستای پنجشیر دو تا سه قرارگاه نظامی دارند و همواره مانع فعالیت نهادهای مدرسان می‌شوند. این منبع که به دلیل حساسیت موضوع خواست هويتش فاش نشود، توضیح می‌دهد: «ما چندین بار خواستیم که به افراد نیازمند در نقاط دوردست پنجشیر کمک‌رسانی کنیم، اما طالبان مانع ما شدند و برای ما گفته شد که این افراد خانواده‌های جبهه مقاومت ملی هستند. حتا خانواده‌ها را خانواده‌های کافر خطاب کردند و اجازه ندادند تا آن خانواده‌ها شامل برنامه‌های کمک‌رسانی ما شوند.»

با این حال، شماری از آگاهان مسایل حقوقی این اقدام طالبان را نشانه‌ای از انتقام‌گیری از بسته‌گان و نزدیکان نیروهای مقاومت ملی توصیف می‌کنند و می‌گویند که برخورد طالبان با نیازمندان در شرایط

اما برای اثبات این ادعا اسناد موثقی در دست ندارد. در همین حال، منابع توضیح می‌دهند که والی طالبان برای پنجشیر چندی پیش در یک نشست خصوصی مسوولان نهادهای امدادرسان را احضار کرده و به آنان هشدار داده است که بدون هماهنگی با افراد او در پنجشیر، نباید فعالیت کنند. فعالیت نهادهای مدرسان شامل بررسی خانواده‌های مستحق، ثبت آنان و توزیع پول نقد و یا مواد غذایی است. یک از افرادی که در این نشست حضور داشته است، به نقل از والی طالبان در پنجشیر به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «هر نهادی که به جهت‌های مختلف کمک توزیع کند، مانعش می‌شویم. هیچ نهادی حق ندارد بدون هماهنگی با ما در پنجشیر کمک توزیع کند.»

همچنان منابع معتبر مردمی تأیید می‌کنند که افراد طالبان هفت کارمند داخلی دفتر «یونیسف» را چهارشنبه هفته گذشته (۲۳ قوس) به دلیل فعالیت‌های بشردوستانه برای ساعاتی زندانی کرده بودند. در این میان چهار مرد و سه زن شامل بودند. آنان برای سروی کودکان، دانش‌آموزان و مادران شیرده به ولسوالی دره رفته بودند، اما از سوی نظامیان طالبان بازداشت و زندانی شدند.

منابع بیشتر توضیح می‌دهند که این افراد در هماهنگی با مسوولان محلی طالبان در ولایت پنجشیر به روستای «هنجستو» در دره عبدالله‌خیل ولسوالی دره رفته بودند، اما از سوی جنگ‌جویان این گروه بازداشت و در قرارگاه نظامی‌شان زندانی شدند. به گفته منابع، طالبان در پایان روز این کارمندان

منابع محلی در پنجشیر ادعا دارند که طالبان مانع کمک‌رسانی نهادهای مدرسان به نقاط جنگ‌زده این ولایت می‌شوند. منابع می‌گویند که طالبان به بهانه دسترسی بسته‌گان نیروهای جبهه مقاومت ملی به کمک‌ها، فعالیت نهادهای مدرسان را در نقاط دوردست این ولایت محدود و در مواردی متوقف کرده‌اند. والی طالبان به مسوولان این نهادها هشدار داده است که بدون هماهنگی با او، نباید دست به سروی و توزیع کمک‌ها بزنند. منابع در یکی از نهادهای مدرسان تأیید می‌کنند که طالبان مانع کمک‌رسانی آنان به نقاط دوردست ولایت پنجشیر شده‌اند.

حسین، باشنده ولسوالی دره ولایت پنجشیر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح، می‌گوید که در ۱۶ ماه گذشته، طالبان در بیشتر نقاط دوردست این ولسوالی، مانع توزیع کمک نهادهای بین‌المللی شده‌اند. حسین می‌گوید: «طالبان در بیشتر نقاط جنگ‌زده پنجشیر به‌ویژه ولسوالی دره مانع کمک‌رسانی می‌شوند؛ چون در برخی این نقاط بسته‌گان نیروهای جبهه مقاومت ملی زنده‌گی می‌کنند. طالبان به هیچ ارزشی پای‌بند نیستند. جرم عمل شخصی است و نباید طالبان حقوق تمام افراد را پای‌مال کنند. ده‌ها خانواده در روستاهای پنجشیر به کمک‌های غذایی و غیرغذایی نیاز دارند و باید برای‌شان کمک شود.»

این باشنده ولسوالی دره همچنان ادعا دارد که طالبان پس از تسلط بر کشور بیشتر کمک‌ها را به جنگ‌جویان و افراد وابسته به خود در این ولایت توزیع کرده‌اند. او



# بهای مواد سوخت در کندز دوبرابر شده است



۸ صبح، کندز

**افزایش فقر و بیکاری در یک سال گذشته بیشتر جوانان ولایت کندز را وادار ساخته تا خانه را به قصد کشورهای همسایه ترک کنند. هر چند آمار دقیقی وجود ندارد، اما در حال حاضر از هر سه خانواده یک پسر جوان در بیرون از کشور به سر می‌برد.**

می‌شوند چوب و زغال سنگ بخرند. گل محمد، یکی از چوب‌فروشان شهر کندز، می‌گوید: «دوره جمهوری که بود، کاروبار بود. مردم پول داشتند، خرید و فروش بیشتر بود. قراردادی‌های دولتی بود و شرکت‌ها بود، از ما خرید و فروش زیاد می‌کردند. اکنون که طالبان آمده‌اند، خرید و فروش نیست، کاروبار نیست. مردم هم وسع ندارند که خرید کنند.»

این در حالی است که تا دو سال پیش یک سیر زغال سنگ در کندز بین ۴۰ تا ۴۵ افغانی، یک سیر چوب خشک تا ۶۰ افغانی و یک سیر چوب تر بین ۴۰ تا ۵۰ افغانی به فروش می‌رسید. حالا اما بهای زغال سنگ دوونیم برابر و بهای چوب سوخت نزدیک به دو برابر افزایش یافته است. بازرگانان علت گرانی مواد سوخت را وضعیت نابه‌سامان کشور می‌دانند. طالبان برای جلوگیری از گرانی زغال سنگ در شماری از ولایت‌ها به شمول پایتخت مرکزهای فروش سنگ این ماده را ایجاد کرده‌اند. این مرکزها زغال سنگ را در مقایسه به بازار آزاد به نرخ پایین‌تری می‌فروشند تا تورم اقتصادی مرفوع شود. اما این‌جا در ولایت کندز از ایجاد این دست مرکزها هیچ خبری نیست. بازرگانان خودشان نرخ چوب و زغال سنگ را تعیین و به بازار عرضه می‌کنند.

فقر، بیکاری و سردی زمستان نه تنها باشندگان کندز، بلکه بیشتر باشندگان ولایت‌های شمال شرق را متاثر ساخته است. براساس گزارش‌ها، ناداری خانواده‌ها در ولایت تخار را مجبور ساخته تا کودکان خود را در معرض فروش بگذارند. هفته گذشته خانمی در ولایت تخار کودک هفت‌ساله‌اش را در برابر سه هزار و ۵۰۰ افغانی به فروش گذاشته بود؛ اما باشندگان محل مانع فروش کودکش شده‌اند. این خانم باشندگان اصلی ولسوالی بهارک ولایت تخار بوده است.

از سوی دیگر، افزایش فقر و بیکاری در یک سال گذشته بیشتر جوانان ولایت کندز را وادار ساخته تا خانه را به قصد کشورهای همسایه ترک کنند. هر چند آمار دقیقی وجود ندارد، اما در حال حاضر از هر سه خانواده یک پسر جوان در بیرون از کشور به سر می‌برد.

ولایت‌های تخار، بغلان و ولسوالی‌های امام‌صاحب، دشت ارچی و چهاردره ولایت کندز از منابع تأمین‌کننده‌گان اصلی چوب کندز شمرده می‌شوند. بازرگانان مواد سوخت در کندز زغال سنگ مورد نیاز باشندگان این ولایت را از معادن تخار و بغلان تأمین می‌کنند. طالبان تا هنوز نتوانسته‌اند نرخ مواد سوخت را در بازارهای کشور کنترل کنند و یا زمینه کار را برای شهروندان افغانستان مهیا سازند.

همزمان با سرد شدن هوا و آغاز برف‌باری‌ها در ولایت‌های شمال شرقی و مناطق سردسیر کشور، بهای مواد سوخت در ولایت کندز تا دو برابر افزایش یافته است. بلند رفتن بهای مواد سوخت سبب شده که بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد، شب‌های سرد زمستان را بدون دسترسی به گرما سپری کنند.



نورالله، یکی از باشندگان امام‌صاحب کندز است. با وجود این که چوب‌شکن است، اما برای زمستان پیش‌رو مواد سوخت خریده نتوانسته است. او تصمیم گرفته زمستان پیش‌رو را بدون استفاده از مواد سوخت سپری کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «به زمستان چه آماده‌گی بگیرم؟ قیمتی زغال است، قیمتی چوب است، کاروبار نیست. یک سیر زغال ۱۲۰ افغانی شده است. مشکلات بسیار زیاد است. از صبح تا بیگاه ۸۰ سیر چوب می‌شکنم، دو افغانی می‌شود ۱۴۰ یا ۱۶۰ افغانی. چه کنم، این را یک سیر زغال بخریم، چای بخرم، برنج بخرم و یا نفقه روزگار را بدهم. مجبور هستیم که سردی را قبول کنیم.»

کریم، باشندگان دیگر شهر کندز، برای خرید مواد سوخت به بازار آمده است. او نیز از بلند رفتن بهای مواد سوختی و مواد خوراکی شکایت دارد. کریم می‌گوید که بسیاری از خانواده‌ها توان خرید مواد سوخت را ندارند. او می‌افزاید: «مجبوری است، زمستان و سردی است. نسبت به پارسال چوب هم قیمت است، زغال هم قیمت است. امسال زغال را ۱۲۰ افغانی خریدیم، پارسال ۴۰ افغانی خریده بودیم. مشکلات مردم زیاد است، کاروبار نیست، اقتصاد ضعیف است. اگر نان چاشت را پیدا کنیم، در غم نام شب می‌مانیم.»

در کنار خانواده‌های نادار، فروشندگان مواد سوخت نیز از نبود بازار مناسب شکایت دارند. به گفته آنان، مردم به دلیل افزایش فقر، کمتر حاضر

## انفجارهای مرگ‌بار در تونل سالنگ؛

# آمار تلفات انسانی تکان دهنده است

بر اساس گزارش‌ها، تونل سالنگ، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های کشور، از حوالی ساعت ۹:۳۰ شنبه‌شب، ۲۷ قوس، تا نیمه‌های شب گذشته گواهِ آتش‌سوزی بوده است. این آتش‌سوزی در پی حریق یک موتر نفت‌کش نوع تیلری آغاز شد و تا ناوقت روز یک‌شنبه، ۲۷ قوس، به‌گونه کامل مهار نشده بود.

۸ صبح، پروان

سالنگ هم نشست کرده و وضعیت خراب است. وضعیت خیلی خراب است. تیم‌های امدادرسان که برای نجات گیرمانده‌گان آمده بودند، نیز در اثر گاز گرفته‌گی بی‌هوش شدند و به شفاخانه انتقال‌شان دادند. منابع محلی مدعی‌اند که چند موتر مسافربری نوع ۵۸۰ با تمام سرنشینان آن‌ها در تونل سالنگ ناپدید هستند. به گفته گواهان رویداد، دست‌کم ۳۰ موتر تیزرفتار مسافربری نیز با بیشتر سرنشینان طعمه آتش شده‌اند. منابع اضافه می‌کنند که تا ناوقت روز یک‌شنبه، ۲۷ قوس، دست‌کم هفت موتر تیلری را که سوخته‌اند، از نزدیکی موتری که دیشب منفجر شده بود، بیرون کشیده شده‌اند.

محمودشاه، یکی از گواهان رویداد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «افرادی که از آتش‌سوزی نجات یافتند، برای ما گفتند که ۳ تا ۴ عراده موتر ۵۸۰ هم با سرنشینانش در آتش گیر مانده‌اند که زیاد تلاش کردیم، اما نتوانستیم نجات‌شان بدهیم. همچنان بیشتر از ۳۰ عراده موتر خرد با بیشتر سرنشینان هم حریق شده‌اند. بیرون کردن اجساد از توان فواید عامه خیلی دور است، اما تلاش دارند تا آتش‌سوزی مهار شود.»

طالبان رقم تلفات انسانی ناشی از این آتش‌سوزی را نسبت به گواهان رویداد کمتر اعلام کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان در ولایت پروان، رقم تلفات آتش‌سوزی در شاهراه سالنگ را ۱۹ کشته و ۳۱ زخمی اعلام کرده‌اند.

در کنار این، هزاران مسافر در دو طرف تونل سالنگ‌ها، از دو شبانه‌روز به این سو گیر مانده‌اند. آنان در صحبت با روزنامه ۸ صبح، خواستار باز شدن فوری این گذرگاه شده‌اند. با این حال، طالبان در یک شبانه‌روز گذشته چندین بار از مهار آتش‌سوزی خبر داده و گفته‌اند که هرچه زودتر این شاهراه به روی ترافیک باز خواهد شد. وزارت دفاع طالبان نیز گفته است که دو چرخ‌بال برای انتقال زخمیان به محل حادثه فرستاده شده‌اند.

گذرگاه سالنگ با طول ۲.۷ کیلومتر در ارتفاع سلسله کوه‌های هندوکش در شمال افغانستان موقعیت دارد. این گذرگاه یکی از شاهراه‌های کوهستانی کشور است که پیش از این نیز گواهِ رویدادهای مشابه بوده است. مسوولان محلی طالبان اما تاکنون علت اصلی این آتش‌سوزی را همه‌گانی نکرده‌اند.

منابع آگاه از ادامه آتش‌سوزی در تونل سالنگ خبر می‌دهند و می‌گویند که تلاش‌ها برای مهار آن تا نیمه‌های شب ناکام بوده است. هر چند آمار دقیقی از دومین آتش‌سوزی در داخل تونل سالنگ هنوز همه‌گانی نشده است، اما منابع می‌گویند که دست‌کم ۶۳ جسد و بیش از ۵۰ زخمی تا شام روز گذشته از تونل سالنگ بیرون کشیده شده‌اند. گواهان رویداد با توجه به شدت آتش‌سوزی احتمال می‌دهند که بیش از ۱۰۰ تن در نتیجه آن جان باخته‌اند. در کنار این، ده‌ها موتر مسافربری در پی این آتش‌سوزی‌ها حریق شده است. بر بنیاد گزارش‌ها، هزاران مسافر در دو طرف تونل سالنگ گیر مانده‌اند و قسمتی از سقف یکی از تونل‌ها فرو ریخته است.

بر اساس گزارش‌ها، تونل سالنگ، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های کشور، از حوالی ساعت ۹:۳۰ شنبه‌شب، ۲۷ قوس، تا نیمه‌های شب گذشته گواهِ آتش‌سوزی بوده است. این آتش‌سوزی در پی حریق یک موتر نفت‌کش نوع تیلری آغاز شد و تا ناوقت روز یک‌شنبه، ۲۷ قوس، به‌گونه کامل مهار نشده بود.

برخی از منابع معتبر به نقل از گواهان رویداد، آمار تلفات ناشی از این رویداد را تکان‌دهنده عنوان می‌کنند. هر چند گزارش‌هایی از جان باختن ۶۳ تن و زخمی شدن دست‌کم ۳۲ تن در پی این رویداد به نشر رسیده است، اما منابع می‌گویند که آمار تلفات بیشتر از این است. منابع همچنان ادعا دارند که بیش از ۱۰۰ تن در آتش‌سوزی‌ها جان باخته و تاکنون تیم‌های عملیات موفق به بیرون کردن اجساد از داخل تونل‌ها نشده‌اند. به گفته آنان، دود و نش‌ت گاز مانع بیرون کشیدن اجساد می‌شود. منابع دلیل ادامه این آتش‌سوزی را حریق ده‌ها موتر مملو از زغال سنگ و نفت عنوان می‌کنند.

یکی از گواهان رویداد در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «دیروز آتش‌سوزی نخست تا حدی مهار شده بود، اما حوالی ساعت ۱۲:۰۰ روز یک‌شنبه، یک موتر گاز که در تونل گیر مانده بود، انفجار کرد. پس از آن، آتش‌سوزی دوباره گسترش پیدا کرد. جسد ۶۳ نفر تا ساعت ۱۲:۰۰ شب از داخل تونل بیرون کشیده شده بود. سقف دومی تونل





پیدایی شعر نو معاصر فارسی دری در افغانستان، کوششی برای دست‌یابی به محتویات نو بوده است. باید توجه داشت که شعر شکسته عروضی سروده‌شده، دارای چه خصوصیتی بوده و این شعر تا چه حد به شعر هدفمند و مفهوم‌گرا می‌ماند. آیا این شعر توانسته است هدفی را در مفهوم خود دنبال کند؟ سبک‌های دیگر شعر فارسی دری دارای ویژه‌گی‌هایی بوده است که شعر نو معاصر بدان توجهی ندارد. همچنان باید بدانیم که آیا اشعار معاصر ویژه‌گی‌های زیبایی‌شناختی در نظام خود دارد یا نه. پرسش این‌جا است: شعر نو معاصر فارسی دری تا چه حد در فرم‌های مشخص خود بوده، از چه زیبایی‌های محتوایی برخوردار است و چه ابتکاری را به ارمغان آورده است؟

چنگیز پهلوان (پژوهشگر معاصر ایران) در پژوهشی زیر نام «نمونه‌های شعر امروز افغانستان» به بررسی شاعران معاصر افغانستان از بُعدهای مختلف پرداخته است. او بسیاری از موارد را پیوندی به جامعه افغانستان می‌دهد و روند ناکامل این پروسه را محصول زمان و جامعه‌ای که شاعر در آن پرورش یافته است، می‌داند: «شعر نو معاصر، شعری را باید گفت که از نظر محتوا با پدیده‌ها و زمان شاعر پیوندی داشته باشد و شاعر با جامعه خود و روندی که در آن جریان داشته است، پیوند گسست‌ناپذیر و ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده بتواند. تنها با استخدام واژه‌ها و کلمات، هر شعری را نمی‌توانیم شعر نو معاصر یا کلاسیک بدانیم. موضوع شعر بنا بر این دید، ارتباط پیدا می‌کند با جامعه‌ای که شاعر در آن زنده‌گی می‌نماید.»<sup>۱</sup>

دکتور عبدالغفور آرزو با درک کامل از شعر نو معاصر فارسی دری و با نظریات همه‌جانبه در نقد استاد خلیلی و بررسی شعر او در پیوند به شعر نو معاصر، گفته‌های جالبی را ارایه داده است. در ارتباط به شعر نو معاصر افغانستان او در کنار نظریات خود و دیگر دانشمندان ادب فارسی دری در افغانستان، به دیدگاه علامه صلاح‌الدین سلجوقی نیز نظری می‌اندازد و در کتاب «نقد خلیلی» چنین می‌نویسد: «در کنار قله‌های شعر کلاسیک در عصر مورد بحث، سایر رهروان عرصه علم و ادب نیز در این زمینه تبادل نظر نموده‌اند و بی‌مورد نیست اگر سطری چند از علامه صلاح‌الدین سلجوقی را به خوانش بگیریم.» تجدد در شعر معنای این را نمی‌دهد که انسان باید کلمات و جملات و حتا املا و انشای خط و حروف را تجدید کند. تجدید عبارت است از: تجدید کنایه و استعاره و طرز اظهار.»<sup>۲</sup>

علامه سلجوقی جای دیگری پیرامون این موضوع آورده است: «این‌طور مردم می‌خواهند طوری که آزادی اجتماعی را انارشی محض تصور کرده‌اند، شعر جدید و شعر آزاد را نیز دست‌خوش انارشی بسازند تا همه بتوانند شاعر شوند و طوری که توانسته‌اند، انشاءالله آزاد شوند، از علم عروض ما شانه خالی کنند... معقول‌ترین دلیلی که داعیان ابتدال شعر دارند، این است که باید هر چیز قومی و ملی باشد و طبیعی است که شعر و ادب و فن باید به درجه اول ملی شود و از ملت برای ملت ارشاد گردد. ولی این غلط است اگر بگوییم ملت عبارت است از طبقه عامی و امی و... اگر شعر جدید آمدنی است، باید بیاید و خوش بیاید، از خامه استادان بادانش و باهتر باشد... اگر مقصد از شعر جدید این باشد که شعر آزاد چون از قید وزن و قافیه آزاد است و این مردمی که همه چیز را سهل می‌دانند و ساده می‌گیرند، شاید بتوانند با این آزادی وزن و قافیه شعر را از معنا و مفهوم هم آزاد سازند، آن چیز دیگری است. کسانی که آرزو دارند سطح سخن را پایین کنند تا ایشان سخنور شوند، بهتر است بکوشند سطح دانش خود را ارتقا دهند.»<sup>۳</sup>

علامه سلجوقی بحث مبنای دانش شعری را بیشتر ارزشمند می‌داند و نمی‌خواهد نوباوران تجدد و نوپرداز از دانش علمی ناچیز برخوردار باشند. او شعر نو معاصر را بلوغ شعر فارسی دری می‌داند و آرزو می‌کند که پیش‌کسوتان بادانش این روند را پی‌گیری کنند و از خامه آن جمع چیزی بتراود و نگذارند سهل‌اندیشان و ساده‌گیران در این مورد دست‌یازی کنند. همچنان خاطر نشان می‌سازد، برای آن‌که بتوانند جمعی جزو شاعران شوند، باید بیشتر بکوشند و بر علمیت خویش بیفزایند، نه آن‌که سطح دانش شعری را با سطح دانش خود برابر کنند.

علامه سلجوقی نیز با پروسه تجدد و نوگرایی سر مخالفت چون بعضی از شاعران و دانشمندان دیگر که معتقدان شعر کلاسیک باقی مانده‌اند، ندارد. او خواهان نوگرایی است و می‌خواهد این روند با خامه‌گان پرتوان ادیبان بزرگ و پخته زمان پی گرفته شود. بُعد دیگر این نوشته چنان می‌نماید که علامه سلجوقی از کار این ناپخته‌گان ناراحت است و با مطالبیه می‌گوید شاید بتوانند این جمع شعر را از معنا و مفهوم هم آزاد سازند.

# ویژه‌گی‌های محتوایی شعر معاصر فارسی



بردیا معین

به خود شاعر مراجعه می‌شد. بیت‌های پر از ایرونی، ایهام، ابهام و درهم‌بودن مقاصد معنایی، کار شعر را آن‌قدر پیچیده ساخت که بازگشت به ادب پیشین را بر آن مقدم دانستند و تعدادی پیوند شعر خود را با شعر مکتب خراسانی – البته در ایران کنونی – بیشتر مستحکم دیدند و اشعاری را به آن سر و وضع سرودند. روند تاریخی شعر، این فرصت را می‌دهد تا شاعران ما در هر عصر و زمان طلب‌کار و خواهان تحول در هنر شعری خود باشند و موارد زیادی را تغییر بنیادی و کیفیتی دهند. هر گاه شعر از مرحله‌ای به مرحله‌ای صعود کرده، دستاوردهای فراوانی داشته که در بستر شعر معاصر وجود داشته است. این امر باعث شده است تا شاعران ما قرن‌ها بدون کدام خسته‌گی یا کهنه‌اندیشی به شعر علاقه‌مند بمانند و همواره شعر بسرایند.

پیشرفت‌ها و تحولات عظیمی که در این اواخر در پیوند با شعر معاصر رخ داده، موجب پدید آمدن تجربه‌های نو شعری شده است. شعر کلاسیک با همه پست و بلندی‌های خود، بدان‌جا رسید که قیودش بعضی از شاعران معاصر را برآشفته ساخت و بدین اندیشه شدند که چگونه باید از این قید و قیود بیرون آیند تا آن‌چه در دل می‌گذرد را به‌ساده‌گی بر زبان رانند و آن‌چه مولانای بزرگ در هشت‌صد و اندی سال پیش گفته است را از زبان شعر آزادانه بیان کنند.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی چنین به نواندیشی آغاز می‌کند و می‌سراید:

\*\*\*  
 هیچ آدابی و ترتیبی مجو  
 هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو<sup>۴</sup>  
 \*\*\*

بعضی از منتقدان شعر معاصر – که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود – معتقدند که شعر معاصر باید شعری باشد که سوا از موارد معنایی و واژه‌گان شعر کلاسیک سر برآورده باشد و محتوای درونی آن با عصر حاضر ارتباط برقرار کند. اگر شعری در این عصر هم سروده شده باشد که با معانی و نوع گفتار قرن‌های پیشین باشد، باید گفت که این شعر خودش را خود با واژه‌گان کلاسیک خویش از بسط شعر معاصر امروزی بیرون می‌کشد. خواننده در اولین فرصت به کلاسیک بودن آن توجه خواهد کرد. پس شعر معاصر همان شعری است که با واژه‌گان نوین بازیابی شده باشد. با این برداشت، می‌شود شعر معاصر را شعر نوین نام‌گذاری کرد؛ چون شعری که دارای خصوصیت‌های واژه‌گانی نوین باشد و از زوایا و دیدگاه‌های نظام‌مند و معانی‌آفرین نوین در پرتو نظریه‌های ادبی معاصر گامی استوار برجا نهاده باشد، شعر معاصر نوین است.

دکتورسمیع حامد، شاعر و پژوهشگر معاصر، شعر هندی را شعری سرشار از زیبایی می‌داند و خواهان آن است که زیبایی‌های شعر هندی نیز در روند نوگرایی به فراموشی سپرده نشود. او شعر معاصر افغانستان را بریده شده از زیبایی‌شناسی‌های سبک هندی می‌داند. به روایت دیگر، شعرهای کلاسیک را هم اگر با اصول کلاسیک شعری سروده شده باشد، شعر معاصر نمی‌داند. او بدین باور است که شعر اگر با معانی و واژه‌گان کلاسیک سروده شده باشد، ما احتیاج به دانش آن زمان داریم تا فهم آن شعر را برای خود آسان سازیم. پس هر شعری که اسلوب واژه‌گانی آن با سیستم واژه‌گانی شعر کلاسیک همراه باشد، از دیدگاه او شعر معاصر نیست، بلکه شعر کلاسیک است. از او می‌خوانیم: «شعر معاصر: می‌پندارم که شعر معاصر شعری است که از نظر تاریخی در همین عصر نوشته شده است.

اما با خوانش معاصر خواننده می‌شود. خواننده شدن با خوانش معاصر، بسیار مهم است. یعنی اگر چکامه‌ای غرا به اسلوب کهن در همین عصر نوشته شده باشد، شعر معاصر نیست، زیرا برای بازگشایی شگردهای این چکامه نیاز به خوانش کلاسیک داریم. بیفزایم که آماج من از قالب چکامه نیست، مولفه‌های کلاسیک قصیده‌سرایی هستند.»<sup>۵</sup>

خوانش معاصر چیست و چگونه یک متن با خوانش معاصر خواننده می‌شود؟ دکتورلطیف پDRAM خوانش معاصر شعر را در تمثال یک نقاشی چنین شرح می‌دهد: «یک نقاشی کلاسیک را می‌بینیم. این نقاشی از چشم‌انداز تناسب و هماهنگی بررسی می‌شود؛ یعنی خوانش آن جست‌وجوی هماهنگی است. درختی را می‌بینیم که صد برگ طرف راست و صد برگ طرف چپ دارد. اگر در سمت چپ نودونه برگ باشد، یک عیب است. یک تابلوی نقاشی انتزاعی را می‌بینیم (در آن شاخه از نقاشی انتزاعی که نمای یک پدیده طبیعی ساده‌سازی می‌شود) در این‌جا ممکن است یک تکان ساده برس با رنگ سبز درختی باشد. ما یک لکه سبز را به سببی درخت دیده‌ایم که تابلو را با نگرش انتزاعی دیده‌ایم. خوانش ما خوانش انتزاعی بوده است. اگر با خوانش کلاسیستی یا ریالیستی یک اثر انتزاعی را ببینیم، طبیعی است که صاحب اثر را نقاش نمی‌دانیم.

خوانش معاصر شعر، مولفه‌ای است که با آن شعر معاصر را درک می‌کنیم. خوانشی است که بیشترین «نقد دانشگاهی» را آزار می‌دهد، زیرا نقد دانشگاهی نقدی محافظه‌کار است. نقدی است که معیار آن «اصول» و «اساتید» است. خوانش معاصر خوانشی است که فردا «اصول» نقد دانشگاهی را می‌سازد و از قربانی امروز به قاتل فردا دگردیس می‌شود.

خوانش معاصر شعر در افغانستان، خوانش مدرن است (این‌جا آماج من خوانش مدرنیستی نیست، نزدیک به آن است؛ زیرا در افغانستان مدرنیسم ادبی ژرف آمده نشده است و شاید دلیل اصلی غزلی ماندن بیشتر شاعران معاصر ما همین است). خوانشی که بربنیاد آن شعر واصف باختری و قهار عاصی را مثلاً می‌خوانیم. شعر پرتو نادری و لیلیا صراحت را می‌خوانیم. خوانش معاصر خوانش نیوکلاسیک نیز است؛ خوانشی که با آن بیشتر غزل‌های معاصر را می‌خوانیم.

این خوانش بیشترین در زبان فارسی در برابر خوانش سبک هندی می‌ایستد و اگر زیاد چشم خیره کنیم، تفاوت بنیادی نظری آن با سبک هندی در این فشرده می‌شود که در سبک هندی شاعر خود «ازگشا» بود و کلید معما را می‌داد، اما در شعر معاصر افغانستان شاعر نشانی‌های کلید معما را می‌دهد. به‌گونه نمونه، اگر شاعر هندی‌سرا می‌گفت:

\*\*\*  
 دهر خلقی را به مرگ اغنیا می‌پرورد  
 یک نهنگ مرده این‌جا بهر صد ماهی غذاست  
 \*\*\*  
 شاعر معاصر ما در بهترین نمونه می‌گفت:  
 یک نهنگ مرده این‌جا بهر صد ماهی غذاست  
 \*\*\*

یعنی بوطیقای غالب شعر معاصر ما آگاهانه یا ناخودآگاه از زیبایی‌شناسی سبک هندی بریده شده است. این واقعیت از سوپی، مایه دریغ نیز هست.»<sup>۶</sup> دکتورسمیع حامد از این هم یک گام فراتر می‌رود و اعتقاد خویش برمبنای این‌که ما شعر معاصر و شعر امروز داریم، اما شاعر معاصر و شاعر روز نداریم را تند و بی‌درنگ بیان می‌کند. او شاعر معاصر را شاعری می‌داند که در روند شعر معاصر گام نهاده باشد و با اصول‌گرایی تمام با شعر معاصر به پیش رود، نه آن‌که گه‌گاهی شعری برمبنای معاصر آن داشته باشد و باز بر همان روال کلاسیک خویش ادامه دهد. او در مقاله‌ای که در روزنامه ۸صبح چاپ کرده است، چنین اعتقادی دارد:

«ما فقط شعر معاصر و شعر امروز داریم، نه شاعر معاصر و شاعر امروز. ممکن است شاعری هم شعر معاصر داشته باشد، هم شعر امروز، اما یک چیز ناگزیر است: شاعری که شعر امروز را تجربه می‌کند، کوشش نهادی او در همین سمت می‌چرخد.»<sup>۷</sup> گرچه دکتورسمیع حامد بوطیقای شعر معاصر افغانستان را بریده‌ای ناخودآگاه از سبک هندی می‌داند و چنان می‌پندارد که شاعران معاصر ما نتوانسته‌اند در بحر پروسعت محتوای شعر معاصر غوطه‌ور شوند. او کار شاعران معاصر را ادامه سبک هندی با روشی تازه می‌داند. اما دانشمندان دیگر ادب فارسی دری معتقدند که در شعر نو معاصر، بیشترین بر ساده بودن کلام تکیه شده است تا به معانی سنگین سبک هندی.





## یاران مسی از سد خروس ها گذشتند و قهرمان جام جهانی ۲۰۲۲ شدند

تیم ملی فوتبال آرژانتین در دیدار نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، تیم ملی فوتبال فرانسه را شکست داد و قهرمان شد.

در این دیدار که یکشنبه شب، ۱۸ دسامبر، با ویسل سیمون مارسینیاک در ورزشگاه لوسیل آغاز شد، آرژانتین در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ بر ۲ به پیروزی دست یافت.

در نیمه نخست این دیدار لیونل مسی و آنخل دی ماریا برای آرژانتین گول زنی کردند و آن نیمه با نتیجه ۲ بر صفر به نفع یاران مسی پایان یافت.

در نیمه دوم بازی، تلاش خروس ها برای جبران یکی از گول های خورده نتیجه داد و داور یک پنالتی برای فرانسه گرفت که کلیان امپایه آن را به گول تبدیل کرد.

یک دقیقه پس از این گول، خروس ها صاحب موقعیت شدند و امپایه دومین گول را وارد دروازه آرژانتین کرد تا بازی به وقت های اضافه کشانده شود.

در وقت های اضافه لیونل مسی دوباره آرژانتین را پیش انداخت، اما امپایه برای بار دیگر بازی را مساوی کرد تا سرنوشت دو تیم در ضربات پنالتی مشخص شود.

در ضربات پنالتی، یاران مسی ۴ بر ۲ پیروز شدند و جام را بالای سر بردند.

با این پیروزی، لیونل مسی اولین جام جهانی را در دوران فوتبالی اش بالای سر برد و با ۲۶ بازی در جام جهانی رکورددار شد.

کلیان امپایه، با هشت گول زده در رقابت های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، بهترین گول زن این رقابت ها انتخاب شد.

تیم ملی فوتبال آرژانتین با این قهرمانی، سومین جام جهانی را به خانه برد.

دور گذشته فرانسه قهرمان این جام شده بود و امسال نایب قهرمان این رقابت ها شد.



## ویژه گی های محتوایی...

از معاون محقق محمدفاضل شریفی می خوانیم:

«با وجود آن که از عمر اشعار نو فارسی دری به ویژه در افغانستان چند دهه های بیش نمی گذرد، با این هم این نوع شعر با در نظر داشت خواست زمان و سهولت های تکنیکی خویش، در پهلوی اشعار کلاسیک، جای ویژه ای را در قلوب مردم این سرزمین احراز نموده و توجه عده زیادی را به خویش جلب و من حیث نوعی از شعر پذیرفته شده است.»<sup>۱</sup>

شعر معاصر افغانستان در اصول گرایی خود چنان می نماید که هنوز دست از پا نمی شناسد و به راه گم کرده ای می ماند که به هر در و هر سر، سر می زند. روی همین امکان و استدلال نمی شود با دیدی ژرف تعریفی از شعر معاصر ارایه داد. شعر معاصر ما از مرز کلاسیک گذشته است؛ اما نمی شود آن را اصول و یا پیوندی مطمئن برای معاصر بودن دانست. چرخش های نیم دایره ای داشته و نتوانسته است هنوز هویت کاملی برایش به ارمغان آورد. کاظم کاظمی شعر را از بیان عادی تا بیان شاعرانه به بررسی گرفته است. او منتقدان شعر را اشخاصی می داند که از بعدها و زاویه های مختلف به شعر می بینند. در این راستا، چنین اعتقادی دارد: «شعر پدیده زبانی است؛ یعنی اثری است که از واژه ها و ساختارهای نحوی آن ها ساخته شده است. این را نیز همه قبول دارند که بیان شعری، از بیان عادی متفاوت و متمایز است. عده ای تمایز شعر نسبت به بیان عادی را در خیال آمیزی آن می دانند؛ عده ای دیگر، در وزن و قافیه و دیگر تناسب ها و عده ای نیز فقط در درون مایه معنوی، به ویژه احساس. کسانی هم هستند که مجموعه همه این ها را در نظر دارند.»<sup>۱</sup>

دیدگاه های متفاوت بر اصول گرایی شعر نو افغانستان توانسته است نوع بازتاب شعر معاصر را به گونه ای دیگر جلوه دهد که هر کدام از شاعران و اندیشمندان افغانستان از بعد برداشتی خویش، تعریفی از شعر معاصر ارایه دهند. از آن جمله استاد واصف باختری به این باور است که تلاش هایی برای به ثمر رساندن شعر معاصر افغانستان شده است. از دیدگاه استاد باختری، شکستادن قالب های کهن نوعی تلاش بوده است که در این زمینه در شاعران معاصر رخ داده است.

دیدگاه دکتور سمیع حامد در ارتباط به معاصر بودن شعر، زاویه دیگری دارد و در این راستا دو شعر را بر حکم معاصر بودن و نو بودن شان از استاد خلیل الله خلیلی و یوسف آینه پیش کش حضور می کند و برداشت خود را از آن بازگو می دارد:

«و آن چه پیدا است، در آخرین سال های این دو دهه (دهه های ۱۰ و ۲۰ سده های بیستم) تلاش های نوجوانانه ای برای شکستادن قالب های کهن به چشم می خورد. به قول استاد باختری: «سراینده برگ های خزانی (استاد خلیلی) محمدیوسف آینه و ضیا قاری زاده نخستین کسانی استند که به این تلاش دست زده اند.»

از استاد خلیلی:

شب اندر دامن کوه  
درختان سبز و انبوه  
ستاره روشن و مهتاب در پرتوفشانی  
شب عشق و جوانی  
\*\*\*  
بچینم گل برایت  
بریزم پیش پایت  
حمایل سازم از لاله های ارغوانی  
چو یاقوت رمانی...  
\*\*\*

محمدیوسف آینه:

بادها از آسمانی  
می نشیند روی دریا  
سبزه ها از خاک رسته  
لاله ها بیرون زده از کوهساران  
باغ و صحرا سرخ و سبزه ارغوانی  
می فروشد شور عشق و نوجوانی  
زاله ها مانند مروارید رخشان  
قطره ها غلطان به زلف بید مشکین

از نسیم صبح گاهی آب پرچین...

\*\*\*

شعر معاصر ما گاهی از مرز کلاسیک گذشته است، اما این گذشتن های گه گاه و اندکی دگرگونی با زبان ساده و گفتاری را بسیاری از منتقدین شعر افغانستان نمی پذیرند. گویا منتقدین ما انتظار بیشتری از شعر معاصر در افغانستان دارند. گاهی بر این امر باید متوجه بود که اوضاع برهم و درهم افغانستان بر ذهنیت شاعران این حوزه نیز تاثیر به سزای داشته است و چنان است که نتوانسته اند خطی را برای شعر معاصر بپذیرند.»<sup>۱۱</sup>

دیدگاه های متفاوت شعرا و دانشمندان افغانستانی از شعر معاصر افغانستان پژوهشگران را سردرگم می کند و کار شناخت از شعر معاصر را پیچیده تر می سازد.

همان طور که بدان پرداخته شد، برداشت های متفاوت از شعر معاصر و نوافغانستان در میان شاعران و نویسندگان افغانستانی وجود دارد. هر کدام شان از زاویه دید خویش نسبت به شعر معاصر می نگرند و چنین است که یکی «تیم بند بودن با شعر هندی» را عنوان می کند و دیگری محصول موج بیرون نگرایی های شاعران اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم می داند.

چنگیز پهلوان، پژوهشگر ایران کنونی، در نمونه های شعر معاصر افغانستان از زبان لطیف پدرام، شاعر و نویسنده معاصر افغانستان، می نگارد و دیدگاه دکتور لطیف پدرام را در روند شعر معاصر افغانستان کند می داند. دلیل بارز این ادعا را اقتصاد بسته، سیاست بسته و فرهنگ بسته مسلط بر افغانستان می داند. او استقلال، آگاهی و شعور محتوایی شعر افغانستان را زندانی در حصار می داند که آرزو کرده است روزی شعر معاصر از فراز این حصارها بگذرد.

«او معتقد است که نخستین جستارها در جهت انحراف از اسالیب قدیم با بحران جامعه در شکاف جنبش مشروطه آغاز شد و در ته آن محمود طرزی، عبدالهادی داوی، پریشان و بعدها آینه و قاری زاده، نه با چشم داشت به نیما که با توجه به انحراف های اندک یغما چندی، گام های آن سوتر گذارند.» در دهه بیست، به نظر پدرام، کاری در زمینه کشف و بازآفرینی خلاقانه ای از واقعیت ارایه نگردید. در این دوره کلماتی چون قطاره، برق، هواپیما و ماشین به جای گل و بلبل و شمع و پروانه نشستند. این ها جستارهایی هستند و شهادت هایی برای فرارقتن از قالب های سنتی؛ هر چند که در تفکر محصور ماندند و نمودی در فرم و ساخت پیدا نکردند.

تحول بر اثر دگرگونی به وجود می آید. روستا دروازه های خود را می گشاید و رشد بورژوازی، جامعه را آباستن سرایش می کند. در همین موقع است که انفجار سیاسی -ایدیولوژیک زمینه ساز اعلام حضور شعر معاصر می شود. شعر نو در این دوره به نظر دکتور پدرام هنوز شعری است در سطح متوسط یا درست تر بگویم میان مایه، تکستاره ها از نظر او عبارتند از واصف باختری، حیدر

لهیب و لطیف ناظمی. اینان همه کوله بار شعر را به دوش دارند و به خصوص باختری می خواهد در راه های جدید و کوبیده نشده ای گام بنهد.»<sup>۱۲</sup>

این جا باورمندی دکتور پدرام نوعی انقلابی است و متوجه می شویم که گویا انقلابی از ده به شهر آمده و تحولات نوگرایی را با خود آورده است. او به پروسه گام به گام تحول متوجه نیست و سریع حکم می کند و شعر نو فارسی دری در افغانستان را از نظر شکل به صورت چشم گیری تحت تاثیر سه شاعر می داند: فریدون توللی، نادر نادرپور و فروغ فرخزاد.

دکتور پدرام خلاف دکتور سمیع حامد و در تقابل با گفته های قبلی اش، چنین پنداشته است که در شعر معاصر افغانستان آن زمان، اندیشه شاعران به نام دیگری چون لاهوتی، مایاکوفسکی، برشت، جک لندن و ناقدانی چون بلینسکی اثربخشی مشهودی داشته است.

شاعران و نویسندگان عرصه ادب فارسی دری در افغانستان، از آغاز پیدایی شعر معاصر نظر مشترکی در مورد درون مایه (محتوا) شعر معاصر نداشته اند. هر کدام - گرچه بسیار اندک - به ظن خود برداشت خویش را نگاشته اند. تعدادی سر سازش با شعر نو گرفتند و بر آن سر شعر سرودند و استقبالی نیکو از پدیده نو به عمل

آوردند و گروهی هم کاملاً به رد آن کمر بستند و قبول آمدن شعری با شکست افاعیل برای شان بسیار دشوار بوده است. بدیهی است که فراز و نشیب های زیادی را در نوشتارهای خویش داشته اند که گاهی با شعر نو بوده و زمانی هم مخالفت شدید خود را ابراز داشته اند.

با آن چه گفته آمد، به جرئت می توان استدلال کرد آن شعری که در یکی از عرصه های تاریخی پا به وجود می گذارد، از نظر تاریخی خود، خود شعر معاصر است. این که آن شعر چه قالب و یا چه محتوایی دارد، بحث جداگانه ای است. هر شعری که در این عصر سروده شده باشد، هم عصر است با اشعار دیگری که در همین عصر سروده شده است. پس آن شعر هم معاصر است. اما بعضی از دانشمندان و پژوهشگران ادب فارسی دری این اصل را نپذیرفته اند. آن ها شعر معاصر را شعری دانسته اند که در نظام های جدید شعری سازگاری هایی با درون مایه های ایجادکننده داشته باشد و در بستر شعر معاصر فارسی

امروزی از تحولات رخ داده در شعر متأثر باشد. پدید آمدن عبارت «شعر معاصر» با تفکرات نواندیشی و نوآوری محصول تفکرات شاعران قرن نوزدهم است و این تفکر پیش از قرن نوزدهم وجود نداشته است.

با کاربرد واژه «مدرن» در بحث های سیاسی اجتماعی، جهان به سمت وسوی دیگری سوق نمود که شعر نیز با تاثیر از آن نوعیت خویش را از نظر صوری و درون مایه های فکری تغییرات بزرگی داده است. به ویژه شعر نیمایی، شعر سپید، شعر مدرن، شعر پست مدرن و... همه بیانگر این است که شاعران معاصر ما از بعضی تعلقات شعر کلاسیک که آزادی شاعر را برهم می زند، پای بیرون

گذارده و تحولاتی را برای نوسازی فرم های صوری و اصولی شعر کلاسیک ایجاد کرده اند. تحولات اخیر در ادبیات فارسی دری توانسته است سنت ها و نظام بندی های ادبی کهن را با سرمشق های فراگیر آن، مورد بازنگری قرار دهد و همچنان تلاش برای به دست آوردن دستاوردها و پدیده های نوگرایانه در شعر و ادب فارسی دری صورت دهد.

گرچه خواسته ها از ادب فارسی دری بر روند شعر نو معاصر آن است که شعر نو معاصر باید چنان باشد که محتوای آن بر مبنای استحکام درون مایه های شعری و موسیقایی نهاده شده باشد، اما از بعد دیگر این بحث تاریخی به میدان می آید که هرگاه شعری بر روند تاریخی و گاه شماری ها بررسی شود و شاعران آن شعر نیز در همین عصر زیسته باشند و شعر آن ها هم بیانگر احوال

امروزی پیرامونی باشد، آن شعر، شعر معاصر است. پس شعر معاصر سه ویژه گی مهم دارد: ۱- شعر سروده شده در عصر حاضر است؛ ۲- محتوای آن بازتاب دهنده واقعیت های زمان معاصر است؛

۳- زبان در شعر معاصر، امروزی است و کاربرد نمادها و استعاره ها برای خواننده امروزی شعر با توجه به سروکار داشتن با واقعیت های امروزی، «قابل لمس» است.

۱. چنگیز پهلوان، نمونه های شعر امروز افغانستان، بنیاد نیشابور، تهران، ۱۳۷۱، برگ ۱۲ و ۱۸.  
۲. علامه صلاح الدین سلجوقی، نقد بیدل، برگ ۲۰۲. برگرفته از کتاب نقد خلیلی، دکتور عبدالغفور آرزو، انتشارات ترانه، مشهد، ۱۳۶۷، برگ ۱۸.  
۳. علامه صلاح الدین سلجوقی، نقد بیدل، چاپ وزارت تعلیم و تربیه کابل، سال ۱۳۴۳، به اهتمام عبدالله رنوفی، برگ ۳۹ و ۴۰.  
۴. محمدرضا شفیع کدکنی، موسیقی شعر، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۰، چاپ نقش جهان، برگ ۱۰.  
۵. مولانا جلال الدین، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۲۷، وحی آمدن به موسی (ع) در عذرخواهی از شیطان.  
۶. دکتور سمیع حامد، روزنامه ۸صبح، جمعه، ۲۴ جوزای ۱۳۹۸.  
۷. دکتور سمیع حامد، روزنامه ۸صبح، جمعه، ۲۴ جوزای ۱۳۹۸.  
۸. دکتور سمیع حامد، روزنامه ۸صبح، جمعه، ۲۴ جوزای ۱۳۹۸.  
۹. معاون محقق محمدفاضل شریفی، روند شعر نو دری در افغانستان، کابل: انتشارات امیری، تقریظ: محقق محمدسور پاکفر، ۱۳۸۵.  
۱۰. کاظم کاظمی، روزنه، انتشارات مهشید، چاپ نهم، سال ۱۳۹۷، برگ ۲۹.  
۱۱. دکتور سمیع حامد، روزنامه ۸صبح، جمعه، ۲۴ جوزای ۱۳۹۸.  
۱۲. چنگیز پهلوان، نمونه های شعر امروز افغانستان، بنیاد نیشابور، تهران، ۱۳۷۱، برگ ۲۲-۲۳.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



مقام‌های امنیتی عراق تایید کرده‌اند که در اثر انفجار بم در شهر کرکوک، دست‌کم نه منسوب پولیس این کشور کشته شده‌اند. براساس گزارش رویترز، انفجار روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، در نزدیکی قریه صفرا زمانی رخ داد که کاروان نیروهای پولیس از ساحه در حال عبور بود. رویترز به نقل از منابعش نگاشته است که در این رویداد دو منسوب دیگر پولیس شدیداً زخمی شده‌اند. محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، این رویداد را «تروریستی» عنوان کرده و گفته است که عاملان این حمله شناسایی و مجازات می‌شوند. تا اکنون هیچ گروهی مسوولیت این حمله را برعهده نگرفته است، اما نیروهای دولت اسلامی (داعش) در این ساحه فعالیت دارند.

## رهبر تی‌تی‌پی: همه حملات علیه پاکستان از داخل این کشور انجام شده است



فایده‌ای دارد؟»

این در حالی است که در هفته‌های اخیر، جنگ‌جویان تی‌تی‌پی و نیروهای پاکستانی در مناطق گوناگون این کشور چندین بار باهم درگیر شده‌اند.

نورولی محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی)، گفته است که جنگ‌جویان این گروه از «داخل خاک پاکستان» بر اهدافشان در این کشور حمله می‌کنند.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، نورولی محسود روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، برای این‌که ادعای کسب حمایت از رژیم طالبان افغانستان را رد کند، این اظهارات را بیان کرده است.

او گفته است: «ما در حال جنگ با پاکستان از داخل خاک پاکستان هستیم.»

محسود افزوده است که تی‌تی‌پی با استفاده از خاک پاکستان و سلاح و روحیه آزادی‌بخشی که دارد، می‌تواند برای چندین دهه با حکومت پاکستان بجنگد. رهبر تی‌تی‌پی در پاسخ این پرسش که آیا در مورد کسب کمک‌ها از سوی طالبان افغانستان پنهان‌کاری می‌کند، گفته است: «وقتی ما به هیچ کمکی از سوی طالبان افغانستان نیاز نداریم، پنهان کردن آن چه

## افراد مسلح کنترل «اداره مبارزه با تروریسم» خیبرپختون‌خواه را به دست گرفتند

گفته است که این رویداد در پاسگاه پولیس مبارزه با تروریسم در منطقه بنوی خیبرپختون‌خواه رخ داده است.

این مقام افزوده است: «تعداد گروگان‌ها و ستیزه‌جویان هنوز مشخص نیست؛ اما گزارش شده است که شماری زخمی شده‌اند.»

با این حال، هیچ تایید رسمی از سوی ایالت خیبرپختون‌خواه یا سخنگوی پولیس این ایالت وجود ندارد.

پاسگاه پولیس مبارزه با تروریسم واقع در مقر پولیس ایالت خیبرپختون‌خواه پاکستان از سوی شبه‌نظامیانی که تحت بازجویی قرار داشتند، تصرف شده است.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، چند شبه‌نظامی معروف که اخیراً از سوی پولیس پاکستان بازداشت شده بودند، روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، چند تن از منسوبان پولیس ایالت خیبرپختون‌خواه را گروگان گرفته‌اند.

یک مقام پاکستانی حاضر در محل به روزنامه خراسان



## اعتراضات ایران؛

## تجمع سینماگران در اعتراض به بازداشت ترانه علی دوستی

بربنیاد گزارش‌ها، اعتراض‌های ایران در دومین روز از چهارمین ماه خود با حضور سینماگران آغاز شد. رسانه‌های بین‌المللی روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، گزارش داده‌اند که گروهی از سینماگران به هدف پی‌گیری وضعیت ترانه علی‌دوستی مقابل زندان اوین تجمع کرده‌اند.

این در حالی است که روز گذشته ترانه علی‌دوستی، بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران، از سوی نیروهای امنیتی این کشور بازداشت شد.

ترانه علی‌دوستی در پی اعتراضات اخیر ایران، یک عکس بدون چادرش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که در آن عکس شعار «زن، زنده‌گی، آزادی» در دست داشت.

پیش از ترانه علی‌دوستی، شماری از بازیگران زن شناخته‌شده سینما و تلویزیون مانند هنگامه قاضیانی و کتایون ریاحی نیز بازداشت و بعدتر با قرار وثیقه آزاد شده‌اند.

## انتقال انرژی سبز به اروپا؛ رهبران چهار کشور توافقنامه امضا کردند

رهبران آذربایجان، گرجستان، رومانی و مجارستان روز شنبه توافقنامه‌ای را امضا کردند که بربنیاد آن قرار است انرژی سبز از مزارع بادی در دریای سیاه به اروپا منتقل شود.

به گزارش رویترز، این قرارداد روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، میان این کشورها عقد شده است. این قرارداد شامل انتقال لین برق با طول ۱ هزار و ۱۰۰ کیلومتر حاوی برق ۱۰۰۰ مگاواتی می‌شود که از آذربایجان به رومانی به‌عنوان بخشی از تلاش‌های اتحادیه اروپا برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی‌اش انتقال می‌یابد.

اتحادیه اروپا به این پروژه ۲.۴ میلیارد دالر اختصاص داده است و این طولانی‌ترین لین انتقال برق به اروپا در نوع خودش است.

مطالعه امکان‌سنجی این پروژه تا پایان سال ۲۰۲۳ تکمیل خواهد شد و ساخت آن چهار سال طول می‌کشد.

انتقال این لین برق به اروپا یکی از تلاش‌های مهم در ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان دانسته می‌شود.

رییس اتحادیه اروپا این توافق را مهم خوانده و بر حمایت از این نوع پروژه‌ها تأکید کرده است.

این در حالی است که استفاده از سوخت‌های فسیلی برای تولید انرژی در جهان، کره زمین را با خطر گرمایش بیش از حد مواجه کرده است. کشورهای جهان در نشست دو هفته پیش بر لزوم توجه به صحت زمین از طریق سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید جدی کردند.



## هیاتی از روحانیان پاکستانی برای گفتگو در مورد چالش‌های مرزی به افغانستان سفر می‌کند

مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که یک هیات چهارعضوی از روحانیان پاکستانی به منظور گفتگو با طالبان در مورد درگیری‌های اخیر مرزی، به افغانستان سفر خواهد کرد.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، اداره ولسوالی چمن روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، اعلام کرده است که این هیات با مقام‌های وزارت دفاع افغانستان و رهبران کلیدی طالبان در قندهار و کابل دیدار خواهد کرد.

همچنان نشستی که قرار بود زیر نام «پرچم» میان نیروهای مرزی دو طرف برگزار شود، به دلیل سفر این هیات به افغانستان به تعویق افتاده است.

پاکستان روز جمعه کاردار طالبان در اسلام‌آباد را احضار کرد تا گلوله‌باری‌های مرزی جنگ‌جویان این گروه در نزدیکی گذرگاه مرزی چمن را محکوم کند.

چند روز پیش در اثر شلیک خم‌پاره توسط نیروهای طالبان به سوی غیرنظامیان پاکستانی در منطقه چمن سپین‌بولدک، دست‌کم یک تن کشته و ۱۱ تن دیگر زخمی شدند.

## هیأت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وارد تهران شد

بازدید خواهد کرد.

این ذرات نشان از فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده ایران در گذشته دارد، اما تهران این موضوع را رد کرده و می‌گوید که تمامی فعالیت‌های اتمی‌اش شفاف و تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است.

با این حال، به‌تازگی ایران اعلام کرده که ظرفیت غنی‌سازی یورانیوم در این کشور به بالاترین حد خود در تمام تاریخ صنعت اتمی ایران رسیده است.

ایران در حال حاضر یورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند و مدعی است که از نظر فنی در شرایطی قرار دارد که می‌تواند یورانیوم را تا ۹۰ درصد هم غنی‌سازی کند.

رسانه‌ها به نقل از بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران، گزارش داده‌اند که یک هیات پنج‌نفره سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به تهران رسیده است.

او روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، به رسانه‌ها گفته که قرار است این هیات با نماینده‌گانی از سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت خارجه این کشور دیدار و گفتگو کند. کمالوندی گفته است که «امیدواری واقع‌بینانه‌ای» وجود دارد تا اختلافات باقی‌مانده با آژانس اتمی حل شده و از سر راه برداشته شود.

این هیات از سه سایت اتمی اعلام‌نشده در ایران است که باقی‌مانده ذرات یورانیوم در آن‌جا کشف شده است،



## سئول از آزمایش دو موشک بالستیک جدید از سوی کوریای شمالی خبر داد

یک دستگاه متحرک را کرد.

رییس ستاد ارتش کوریای جنوبی گفته که پرتاب‌های تازه از منطقه تونگ‌چانگری در شمال غربی کوریای شمالی و در فاصله ۵۰ دقیقه‌ای از همدیگر انجام شده است.

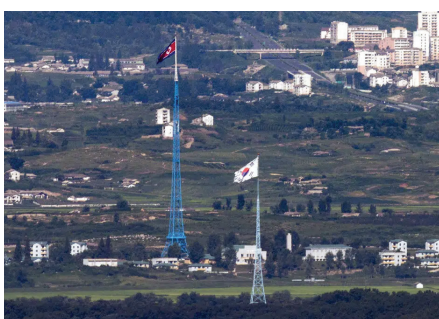
این مقام کوریای جنوبی هرچند جزئیات بیشتری در مورد این پرتاب‌ها از جمله نوعیت و توانایی پرواز موشک‌ها ارایه نکرده اما گفته که کشورش با حمایت امریکا توانایی‌های نظارتی‌اش را افزایش داده است.

مقام‌های جاپانی نیز شلیک موشک‌های تازه از سوی

رسانه‌های بین‌المللی به نقل از کوریای جنوبی گزارش داده‌اند که کوریای شمالی به تازه‌گی دو موشک بالستیک جدید پرتاب کرده است.

آسوشیتدپرس گزارش داده که این موشک‌ها روز یکشنبه، ۱۸ دسامبر، به سمت آب‌های شرقی کوریای شمالی شلیک شده است.

سئول گفته که این نخستین آزمایش موشکی کوریای شمالی در یک ماه اخیر و دو روز پس از آن است که پیونگ‌یانگ ادعای انجام یک آزمایش کلیدی برای ساخت



کوریای شمالی را تأیید کرده و گفته‌اند که این موشک‌ها در آب‌های بین شبه‌جزیره کوریا و جاپان سقوط کرده است. گفتنی است که اخیراً کوریای شمالی از ساخت موشک جدید با قابلیت و توانایی‌های پیشرفته خبر داده است.